(277)

هو الله

ای یاران عزیز مهربان بلسان قلم هر قدر تحریر و تقریر مراتب اشتیاق نمایم از عهده بر نیایم زیرا خامه و مداد بیگانه و صفحه قرطاس نامحرم یاران یگانه پس خوشتر آنکه بنطقی دیگر بیان آرزوی جان و وجدان نمایم اگر بدانید که در ایندم این دل چگونه بیاد شما همدمست و چه احساسی مستولی بر قلب و چه تلاطمی در بحر اشتیاق چون محیط اعظم البته از شدت سرور و حبور کأس مزاجها کافور نوشید و چنان جوش و خروشی زنید که خاور و باختر بهوش آرید امیدوارم که چنین شوید و مرغان آشیان علیین گردید در این گلشن الهی برشاخسار معنوی مانند طیور سحر چنان گلبانگی زنید که آهنگش ملأ اعلی را باهتزاز آرد ملاحظه نمائید که در مدتی قلیل شکوه سروران و شوکت سرداران و عزت بزرگان چگونه محو و نابود گشت هر یک از قصر معمور بقبر مطمور افتاد و از اوج عزت در خاک مذلت مأوی جست کان لم یغنوا فیها بلکه هبآء منبثا گشت و سراب بقیع یحسبه الظمآن مآء گردید او لم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عاقبة المکذبین با وجود این شهود دیگر عاقل را چه مبالاتی و انسانرا چه مباهاتی و بحیات دنیا چه تعلقاتی در این عالم ترابی تحقق وجود نیز مختص باهل سجود است باز آثار آنان باقی و صیت آنان بلند و نسیم آنان در مرور و پرتو آنان در ظهور در جمیع عوالم الهی حتی نقطه ترابی علمشان بلند است و صیتشان ارجمند رغما عن انف کل متکبر مغرور و ملحد منفور از یوم آدم تا ایندم چه قدر سروران جهانگیر در روم و ترک و تاجیک پیدا شدند کو آن تاج و تخت و کو آن طالع بخت و کو آن شکوه ملوکانی و کو آن شوکت کشورستانی کل بباد رفت لکن بندهٔ ضعیفی از یاران الهی که در ابتدای ابداع بود الی ختم اختراع در جمیع عوالم الهی حتی در نقطه ترابی باقی و ساقی و برقرار چنانچه مشاهده میکنید که الی الآن از دست مبارک آن آزادگان صهبای محبت الله نوشانوش است پس قدر این ایام را بدانید و مگذارید که بیهوده بگذرد تا توانید بکوشید و بخروشید تا جامی لبریزی از باده شورانگیز از دست یار عزیز بنوشید و علیکم التحیة و الثنآء

اللهم یا من تجلی علی الطور و ظهر فی الساعیر و اشرق من فاران و انار من الأفق الأعلی و ظهر من ملکوت الابهی انی امرغ جبینی و اعفر وجهی بالتربة المقدسة التی فاحت نفحاتها من مرکز الأشراق و عطرت الآفاق و اتضرع الیک بقلب خافق و عیون دافق بدموع فائضة فی محبتک و صدر منشرح بذکرک و روح مستبشر

بالطافک ان تعطف علی هؤلآء الأصفیآء باعین رحمانیتک و تشملهم بفیوضات ربانیتک و تجعل لهم مخرجا و ترزقهم من مآئدة سمآء احدیتک رب اجعلهم مشاعل ذکرک و مهابط الهامک و مصادر جودک و مواقع نجومک لیهدوا الخلق الی مرکز وحدانیتک و یهدوهم من عطایآء خزآئن صمدانیتک و یقودوهم الی مرکز الهدی و یقودوهم بفضلک و موهبتک بین الوری حتی یردوا الی المورد العذب الفرات و یفدوا وفدا علی رحاب قدسک یا مولی الوری انک انت الکریم الرحیم العزیز القدیر الجمیل الرحیم الرحمن (ع ع)